



Exemplary Child Abuse from Parents' Perspectives: Qualitative Content Analysis

Iraj Hamrang Gabalo ^{1,*} , Ali Gharadaghi ² , Shahrooz Nemati ³ 

¹ MSc in Educational Psychology, Faculty of Education Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

² Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Education Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

³ Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Education Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

* **Corresponding author:** Hamrang Gabalo Iraj, MSc in Educational Psychology, Faculty of Education Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: Iraj_hamrang@yahoo.com

Received: 26 Dec 2018

Accepted: 18 Feb 2019

Abstract

Introduction: Children, for various reasons, are always among the most vulnerable in society. They cannot protect themselves and need to help adults including their parents, and in the case of parent's incompetence, issues including child abuse will occur. Therefore the current research was conducted to study the parent's Perspectives from child abuse.

Methods: The present study was qualitative research. The statistical population, all of parents whose children were studying in primary schools in a district of Tabriz in 2018 and interview, was conducted with 31 people. The primary method of data collection was semi-structured interviews with open questions and the data were analyzed by inductive analysis of qualitative content. The validity and reliability of this study were rooted in four axes of "Credibility, Transferability, and Reconceptualization and Trustworthiness."

Results: Data analysis led to the extraction of 3 main categories, including the concept of child abuse, the range of child abuse and child abuse of deficiencies.

Conclusions: Parents' awareness of the three concepts of child physical abuse, child emotional abuse, and child abuse neglected was good, but their level of knowledge about child sexual abuse was limited and focused more on its known aspects. Their emphasis on solving economic and social problems and ways to increase affection in their families reflects the depth of their attention to the roots of this problem to prevent and control it. Also, the vulnerability rate of children in the current society has increased and in particular, child sexual abuse has increased more sensitivity; therefore, the need for parents' awareness to be informed of child abuse for preventing it is felt more and more. In this regard, the role of educational Authorities such as schools and the media is significant and it is necessary to provide educational programs for parents and children in this field.

Keywords: Acquaint, Child Abuse, Child Sexual Abuse, Parenting Perspective, Qualitative Content Analysis

© 2020 Iranian Nursing Scientific Association (INA)



مصادیق کودک آزاری از دیدگاه والدین: تحلیل محتوای کیفی

ایرج هم‌رنگ گیلو^{۱*}، علی قره داغی^۲، شهرروز نعمتی^۳

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
^۲ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
^۳ دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
 * نویسنده مسئول: ایرج هم‌رنگ گیلو، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. تلفن: ۰۹۱۴۸۶۱۸۰۲۸، ایمیل: iraj_hamrang@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

چکیده

مقدمه: کودکان به دلایل مختلف همواره جزء آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند و برای محافظت از خود به کمک بزرگسالان از جمله والدین خود نیاز دارند که در صورت ناشایستگی والدین، مسائلی از جمله کودک‌آزاری توسط آن‌ها رخ خواهد داد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه‌های والدین در باب مصادیق کودک‌آزاری انجام یافت.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و مشارکت‌کنندگان از میان والدینی که فرزندان آن‌ها در مدارس ابتدایی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول تحصیل بودند انتخاب شدند و با ۳۱ نفر از آن‌ها مصاحبه انجام گرفت. روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با سؤالات باز بود و داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی تحلیل شدند. صحت و اعتبار مطالعه حاضر ریشه در چهار محور «باورپذیری، انتقال‌پذیری، تصدیق‌پذیری و اطمینان‌پذیری» داشت.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل شده در قالب سه مقوله اصلی شامل مفهوم کودک‌آزاری، دامنه کودک‌آزاری و کمبودهای کودک‌آزاری بودند. **نتیجه‌گیری:** دامنه آگاهی والدین مشارکت‌کننده، در رابطه با سه مفهوم جسمانی، عاطفی و غفلت کودک‌آزاری خوب بود اما دیدگاه آن‌ها در رابطه با کودک‌آزاری جنسی محدود بود و بیش‌تر روی جنبه‌های شناخته شده آن متمرکز می‌شد. تأکید آن‌ها روی مرتفع کردن مشکلات اقتصادی و اجتماعی و راهکارهایی جهت افزایش محبت در خانواده‌ها بیانگر عمق توجه آن‌ها به ریشه‌های این معضل جهت پیشگیری و کنترل آن بود. افزون بر این‌ها، ضریب آسیب‌پذیری کودکان در جامعه فعلی یافته است و به ویژه کودک‌آزاری جنسی حساسیت بیش‌تری را تولید کرده است لذا؛ لزوم آگاه‌سازی والدین از کودک‌آزاری برای ممانعت و پیشگیری از آن بیش‌ازپیش احساس می‌شود در این راستا؛ نقش مراجع آموزشی از قبیل مدارس و رسانه‌ها بسیار مهم بوده و ضرورت دارد تا برنامه‌های آموزشی لازم را برای والدین و کودکان در این حیطه تدارک ببینند.

کلیدواژه‌ها: آگاه‌سازی، تحلیل محتوای کیفی، دیدگاه والدین، کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

۱۹۶۲ به صورت «سندروم کودک کتک خورده» معرفی و پس‌از آن به تمام ابعاد این پدیده، توجه روزافزون شد [۱]. سازمان بهداشت جهانی، کودک‌آزاری را به‌عنوان «همه انواع بدرفتاری فیزیکی، عاطفی، سوءاستفاده جنسی و غفلت و استثمار (بهره‌کشی) که سبب آسیب رساندن جدی یا بالقوه برای سلامتی، بقاء، رشد یا کرامت کودکان در چارچوب یک رابطه مسئولیت، اعتماد یا قدرت، می‌شود» تعریف می‌کند که دارای چهار بعد کودک‌آزاری جسمانی، جنسی،

کودکان به دلیل کم بودن سن و فقدان مهارت‌های لازم، همواره جزء آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند که توانایی محافظت و حمایت کامل از خود را نداشته به‌کمک بزرگسالان از جمله والدین خود نیاز دارند و در صورت عدم‌کفایت والدین، مسائل و مشکلاتی متعددی از جمله کودک‌آزاری توسط آن‌ها رخ خواهد داد [۱]. پدیده کودک‌آزاری هرچند منحصر به زمان حال نیست و در تمامی جوامع و زمان‌ها مشاهده شده است، اما برای اولین بار توسط کمپ و همکاران او در سال

تناسلی و روان‌شناختی و رفتاری خواهند بود ضرورت مطالعه و توجه روزافزون به این معضل جهت آگاهی از دیدگاه‌های والدین را می‌طلبد تا ضعف‌های آگاهی آن‌ها مشخص شده و تمهیدات لازم توسط مراجع مرتبط با آموزش والدین و کودکان جهت جبران این ضعف آگاهی تدارک دیده شوند. علاوه بر موارد فوق، آمارهای موجود خارجی و داخلی نشانگر افزایش میزان شیوع کودک‌آزاری است که ضرورت مطالعات افزون‌تر برای آگاهی از علل و عوامل این افزایش شیوع احساس می‌شود. براساس آمارهای دپارتمان خدمات بهداشتی و انسانی ایالات‌متحد آمریکا، تعداد و میزان کودکانی که طی فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ مورد قربانی قرار گرفته‌اند نوسان داشته است و از ۶۵۶۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۳ به ۶۷۴۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۷ تغییر یافته است که افزایش ۲/۷ درصدی را نشان می‌دهد و داده‌های سال ۲۰۱۷ میلادی نشان می‌دهد که ۷۴/۹ درصد این کودکان قربانی، مورد غفلت، ۱۸/۳ درصد مورد کودک آزاری جسمی و ۸/۶ درصد مورد کودک‌آزاری جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین در این سال، حدود ۱۷۲۰ کودک در اثر سوءاستفاده و بی‌توجهی یعنی ۲/۳۲ نفر در صد هزار کودک در جمعیت ملی مرده‌اند [۱۱]. افزون بر این‌ها آمار دقیقی در مورد شیوع کودک‌آزاری در ایران وجود ندارد اما آمارهای غیررسمی حاکی از شیوع این پدیده در ایران دارد که در این راستا؛ مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در گفتگو با روزنامه سپید در مورد آمار کودک‌آزاری در ایران، گفت: «آمارهای ما در زمینه کودک‌آزاری همان آمارهایی است که از طریق اورژانس اجتماعی یعنی ۱۲۳ گزارش می‌شوند به این ترتیب در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۳ هزار تماس مربوط به کودک‌آزاری به سامانه ۱۲۳ گزارش شده است که پس از راستی‌آزمایی، وقوع کودک‌آزاری در حدود نیمی از آن‌ها تأیید شده است» [۱۲].

همه موارد مذکور توجه روزافزون و پژوهش‌های مرتبط با مسائل و مشکلات کودکان از جمله کودک‌آزاری را می‌طلبند لذا از آنجایی که والدین بیش‌ترین نقش و تأثیر را از جهت موفقیت و عدم موفقیت در تربیت کودکی شایسته را دارند این سؤال در ذهن‌ها ایجاد می‌شود که آن‌ها دیدگاه‌های خود را در رابطه با کودک‌آزاری چگونه تشریح یا روایت می‌کنند بنابراین آگاهی از دیدگاه‌ها و باورهای آن‌ها در رابطه با مسائل کودکان می‌تواند راهگشای ایجاد یک زندگی بهتر برای کودکان باشد. افزون بر این‌ها بسیاری از پژوهش‌های انجام‌یافته در حیطه کودک‌آزاری، عمدتاً در قالب مطالعات کمی، نگرش افراد مختلف را در رابطه با پدیده کودک‌آزاری سنجیده‌اند و به گزارش نگرش‌ها و میزان شیوع حیطه‌های آن پرداخته‌اند؛ درحالی‌که مطالعات کم‌تری، به بررسی عمیق دیدگاه‌های افراد مختلف از جمله والدین، از مصادیق کودک‌آزاری پرداخته‌اند و سهم مطالعات کیفی در این حیطه اندک است؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی دیدگاه والدین از مصادیق کودک‌آزاری در قالب یک مطالعه کیفی بود. هدف کاربردی این پژوهش در جهت کمک به سازمان‌های بهزیستی و مدارس از طریق مطلع ساختن آن‌ها از شکاف‌ها و کمبودهای اطلاعاتی والدین در رابطه با کودک‌آزاری جهت تدارک دیدن جلسه‌های آموزشی مناسب برای والدین درباره‌ی کودک‌آزاری به‌منظور پیشگیری از این پدیده و کمک به کودکان در معرض خطر کودک‌آزاری خواهند بود. به لحاظ اهمیت

عاطفی و غفلت می‌شود [۳]. کودک‌آزاری جسمانی شایع‌ترین نوع سوءاستفاده و ساده‌ترین راه تشخیص کودک‌آزاری است. به طور کلی، سوءاستفاده فیزیکی را می‌توان به عنوان «آسیب غیر تصادفی» در کودکان یا «سوءاستفاده‌ای که موجب آسیب‌های بدنی مانند شکستگی، سوختگی یا بریدگی شود» تعریف کرد. شایع‌ترین شکل این نوع بدرفتاری، ضرب و شتم کودکان است که با آسیب‌های غیر تصادفی یا کیبودی در کودکان مشخص می‌شود [۴]. همچنین ماش و ولف، اقدامات متعددی از قبیل مشت زدن، ضرب و شتم، کتک‌زدن، لگدزدن، گاز گرفتن، سوزاندن، تکان دادن و کارهای دردناک برای یک کودک را جزء کودک‌آزاری جسمی دانسته‌اند که این صدمه‌ها در بیشتر اوقات غیرعمدی است و در اثر یک انضباط بیش‌ازحد به وجود می‌آید [۵].

کودک‌آزاری جنسی قسم بعدی کودک‌آزاری است که سازمان بهداشت جهانی آن را این‌گونه تعریف کرده است: «دخاله یک کودک در فعالیت جنسی که او به‌طور کامل درک نمی‌کند، رضایت آگاهانه ندارد یا کودک به‌صورت فرآیند رشدی آماده نیست یا این‌که نقض قوانین و تابوهای اجتماعی جامعه است» [۵]. همچنین آزار جنسی می‌تواند شامل نوازش کردن اندام‌های جنسی کودک، آمیزش (مقاربت)، زنا با محارم، تجاوز، لواط، عورت نمایی به کودک، بهره‌کشی تجاری و جنسی از طریق خودفروشی یا تولید فیلم‌های مستهجن باشد [۶].

کودک‌آزاری عاطفی یا روان‌شناختی به عنوان یکی دیگر از اقسام کودک‌آزاری شامل: «ناتوانی مراقبت‌کننده در فراهم آوردن یک محیط دوستانه برای فرزند است (اعم از محدود کردن حرکت (جنش) کودک، تهدید، تمسخر کردن، ارباب، تبعیض، طرد و سایر اشکال غیر فیزیکی رفتار خصمانه) که بر فرآیند رشد و سلامت کودک تأثیر می‌گذارد» [۷]. کودک‌آزاری عاطفی در واقع آسیب رساندن به احساسات یک کودک، ترساندن یا به وحشت انداختن او و اجازه دادن به کودک جهت تماشای خشونت صورت گرفته به دیگر اعضای خانواده را نیز شامل می‌شود [۸]. آخرین قسم کودک‌آزاری از نوع غفلت یا بی‌توجهی است که به‌عنوان ناتوانی مراقبت‌کننده در فراهم آوردن زمینه‌ها و عواملی از قبیل بهداشت، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، پناهگاه و ایمنی (امنیت) است که برای مطمئن شدن از رشد کودک، حیاتی هستند. همچنین کودک‌آزاری از نوع غفلت می‌تواند دربرگیرنده موقعیت‌هایی باشد که برای امن ماندن کودکان نظارت صورت نگیرد و یا برای مدتی طولانی، کودکان تنها گذاشته شوند [۷، ۸].

سوءاستفاده از کودک یک معضل جهانی است و در زمینه و بافت‌های مختلف که انتظار داریم کودکان در این محیط‌ها به‌ویژه در خانواده، خانه، مدرسه و مؤسساتی که مراقبت از کودکان را ارائه می‌کنند ایمن و حفظ شوند، رخ می‌دهد [۹] که برای پیشگیری از آن بهترین کار توجه به علت‌های اصلی و افراد و مراجع مرتبط با آن پدیده است تا شناخت کافی از آن حاصل شود در این راستا؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که «کودک‌آزاران در بیش‌تر موارد افرادی هستند که با کودک زندگی می‌کنند و عمدتاً والدین کودک را شامل می‌شوند و انعکاس وسیع و مکرر حوادث ناشی از سوء رفتار با کودک، بیانگر این مسئله است که کودک‌آزاری یک معضل اجتماعی فراگیر است که آثار و نتایج ناگواری به دنبال دارد» [۱۰]. بنابراین نقش والدین و دیگر افراد در پیشگیری یا ایجاد پیامدهای کودک‌آزاری در زندگی کودکان که انبوهی از پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت فراوانی در ابعاد فیزیکی، جنسی و

مورد رو بیشتر توضیح بدید" تا مشارکت کنندگان بتوانند تجربیات دیده و شنیده خود را از پدیده مورد نظر به طور کامل مطرح نموده و به غنی سازی داده‌های پژوهشی کمک نمایند. در کنار این تمهیدات از نوشته‌های توصیفی و یادداشت‌هایی در عرصه میدانی جهت اشراف بیشتر بر فرآیند مصاحبه، نیز استفاده شد.

در این پژوهش قبل از شروع فرآیند مصاحبه، از مشارکت‌کنندگان رضایت شفاهی برای مشارکت در پژوهش و اجازه ضبط صدای آن‌ها گرفته و در رابطه با محرمانه ماندن اسامی آن‌ها اطمینان لازم داده می‌شد. مشارکت‌کنندگانی که مایل بودند در رابطه با اهداف پژوهش بیشتر اطلاعات کسب کنند به آن‌ها توضیحات لازم ارائه می‌شد و به آن‌ها اعلام شده بود که تمایل به ادامه یا ترک فرآیند مصاحبه برعهده آن‌هاست. افزون بر این‌ها سعی شد تا حد امکان از به کار بردن اصطلاحات و برجسب‌های احتمالی که موجب ناراحتی مشارکت‌کنندگان شود و پیش‌داوری و تعصب خود پژوهشگر که نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد پرهیز شود تا صداقت علمی و الزام‌های اخلاقی پژوهش رعایت شوند. از ۲۶ جلسه مصاحبه انجام یافته با مشارکت‌کنندگان، ۵ جلسه به صورت مصاحبه دونفره (مصاحبه همزمان محقق با دو نفر مشارکت‌کننده) و سایر جلسات به صورت مصاحبه تک نفره انجام گرفت که میانگین مدت مصاحبه‌ها به‌طور تقریبی ۱۷ دقیقه برآورد شد؛ همچنین اشباع داده‌ها با ۳۱ نفر حاصل شد.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی استفاده شد. بدین ترتیب که بدون هیچ گونه پیش زمینه نظری و ذهنی، پس از گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ها چندین بار مرور شدند تا عیناً نوشته شوند، سپس بعد از بررسی خط به خط، نکات کلیدی مشخص شدند و کدگذاری شدند تا کدهای اساسی آن‌ها تعیین شوند. پس از کدگذاری به هریک از آن‌ها عنوانی داده شد، سپس عناوین مشترک در هم آمیخته شدند و خرده مقوله‌ها تشکیل شدند تا سازمان‌دهی شوند و سپس مقوله‌های اصلی ایجاد شدند. در مرحله بعد جدول خلاصه‌سازی شده مقوله‌ها به همراه خرده مقوله‌های مربوط به هر مقوله ارائه شدند و در آخر نقل قول‌هایی که نشانگر هریک از مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها بودند از مصاحبه‌های انجام‌یافته استخراج و ارائه شدند. بعد از طی فرآیند مذکور، داده‌ها در سه مقوله و ۹ خرده مقوله ارائه شدند. به‌منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش‌های کیفی بیشتر پژوهشگران روش کیفی از معیارهای ارائه شده توسط گوبا و لینکن (۱۹۸۵) شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، تصدیق‌پذیری و اطمینان‌پذیری استفاده می‌کنند [۱۵].

در این پژوهش نیز از همان معیارهای مذکور برای تعیین صحت و اعتبار داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب، باورپذیری با مصاحبه و حضور طولانی مدت در میدان تحقیق و درگیری بیشتر با مشارکت‌کنندگان، استفاده از روش‌های مؤثر جمع‌آوری داده‌ها و بهره‌مندی از نظرهای متخصصان برای کنترل دقیق‌تر فرآیندهای تحقیق حاصل شد. در راستای انتقال‌پذیری به عنوان معیار دوم که به کاربردی و مناسب بودن پژوهش برای پیشنهاد عنوان‌های پژوهشی جدید اشاره دارد تلاش شد که از فرآیندهای تحقیق به ویژه جمعیت مورد مطالعه توضیحات روشن و دقیقی داده شوند تا امکان فرصت استفاده از این تحقیق برای انجام پژوهش‌های مرتبط آتی فراهم شود. تصدیق‌پذیری به عنوان معیار بعدی که به پرهیز از تعصب و اهداف غرض‌آلود خود محقق اشاره دارد،

نظری یافته‌های پژوهش حاضر به بسط و تعدیل دیدگاه‌های نظری در ارتباط با کودک‌آزاری کمک خواهد کرد.

روش کار

با توجه به این‌که در جامعه فعلی ما، دیدگاه‌های والدین در مورد کودک‌آزاری و مصادیق آن به‌خوبی مورد بررسی و تبیین قرار نگرفته است؛ همچنین بیشتر پژوهش‌ها و مطالعه‌ها از نوع تحقیق‌های کمی بوده و به گزارش میزان شیوع و ابعاد آن پرداخته‌اند، پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و با روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی، پدیده کودک‌آزاری و مصادیق آن را از دیدگاه والدین مورد بررسی قرار داده است.

تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی نوعی روش تحقیق است که بدون توجه به پیش‌زمینه‌های نظری و ذهنی وارد عرصه تحلیل داده‌ها شده و سعی دارد با بررسی اجزا مختلف داده‌ها به یک کلیت و بیشتر محتوای پنهان داده‌ها و احتمالاً ایجاد نظریه مبادرت ورزد و منطق استقرا بر این اصل استوار است که با مشاهده و تفکر دقیق پیرامون الگوهای تکرار شونده آن، می‌توان به کشف قواعد حاکم بر یک عرصه خاص نائل آمد. هر چند این روش قدرت تعمیم خیلی محدودی دارد و روابط علت و معلولی به دست نمی‌دهد اما به ایجاد بینش عمیق از یک موضوع کمک می‌کند و دارای سه مرحله اصلی آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش نتایج است. در این روش طبقات و نامشان از درون داده‌ها به دست می‌آید بدون این‌که از قبل در ذهن مدنظر باشد و دارای گام‌هایی به این شرح است: خواندن مکرر متن برای غوطه ور شدن در آن‌ها و یافتن یک درک کلی، خواندن کلمه به کلمه و استخراج کدها، نام گذاری کدها، قرار دادن کدهای مشترک در داخل طبقات یا مقوله‌ها و در پایان شواهدی از نقل قول‌ها برای هریک از طبقات یا مقوله‌ها آورده می‌شود [۱۳، ۱۴].

جامعه آماری این پژوهش شامل والدینی بودند که فرزندان آن‌ها در مدارس ابتدایی ناحیه یک شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ مشغول تحصیل بودند و مشارکت‌کنندگان این پژوهش از میان پدرها و مادرهای (اولیا) دانش‌آموزان سه مدرسه علامه حلی، ابن‌سینا و آیت‌الله‌کاشانی در مقطع ابتدایی دوره اول و دوم به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و دلایل استفاده از این روش نمونه‌گیری به جهت فقدان دسترسی به والدین کودک‌آزار و پرهیز از برجسب زدن احتمالی کودک‌آزاری به آن‌ها و عدم اجازه از سوی عوامل آموزش و پرورش برای شناسایی و مصاحبه با والدین کودک‌آزار بودند؛ ضمن این‌که بیشتر والدین با مسائل کودک‌آزاری مواجه شده‌اند و تعیین نمونه‌های هدفمند لزومی ندارد و تجربه پدر و مادر شدن، دارای فرزند محصل بودن، توانایی در برقراری ارتباط و مشارکت توأم با علاقه‌مندی و رضایت آگاهانه در راستای معیار ورود والدین برای این پژوهش، در نظر گرفته شدند.

روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نسبتاً عمیق نیمه ساختارمند (چهره به چهره) با سؤالات باز بود بنابراین؛ با توجه به مشارکت‌کنندگان و نوع اطلاعاتی که ارائه می‌شد شرایط برای انعطاف‌پذیری سؤال‌ها فراهم می‌شد و مصاحبه ابتدا با یک سؤال کلی شروع و بعد وارد مرتبط‌ترین سؤال‌ها با پژوهش می‌شد همچنین از سؤال‌های کاوشی نیز استفاده می‌شد نظیر این سؤال که "می‌شه این

جدول ۲. خلاصه‌سازی مقوله‌ها و خرده مقوله‌های حاصل از تحلیل داده‌ها

مقوله اول: مفهوم کودک آزاری	
۱. مفهوم جسمی	"زدخورد"
۲. مفهوم جنسی	"تجاوز"
۳. مفهوم عاطفی	"توهین و مقایسه"
۴. مفهوم غفلت	"بی‌توجهی به نیازها"
مقوله دوم: دامنه کودک آزاری	
۵. خانواده	"درگیری دائمی پدر جهت تأمین معیشت خانواده و غفلت از فرزندان"
۶. جامعه	"نقش مضاعف مادر در کودک‌آزاری" "افراد دارای مشکلات مالی و به تبع آن عدم توانایی ازدواج و بهره‌کشی جنسی"
۷. نوع و کیفیت کودک‌آزاری	"کودک‌آزاری جسمی و عاطفی از سوی معلمان در مدارس" "کودک‌آزاری از نوع غفلت در جامعه گذشته و از نوع جنسی در جامعه فعلی"
مقوله سوم: کمبودهای کودک‌آزاری	
۸. کمبود آگاهی	"شناخت ناقص از پدیده کودک‌آزاری"
۹. کمبود آموزشی	"آموزش حیطة جنسی کودک‌آزاری"

مقوله اول: مفهوم کودک آزاری

خرده مقوله ۱: مفهوم جسمانی کودک‌آزاری

برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان مفهوم بعد جسمانی کودک‌آزاری برابر با کتک زدن بود؛ به‌عنوان نمونه "زدن با دست (سیلی زدن)"، از دیدگاه آن‌ها جزء این بعد می‌شد. واژه زدن کودک در مصاحبه‌های انجام‌یافته با والدین در مورد بعد جسمانی کودک‌آزاری به‌وفور یافت شد و آشکارترین مفهوم کودک‌آزاری جسمانی از دیدگاه آن‌ها تلقی گردید.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"کودک‌آزاری چیزی که به ذهن ما می‌آید، بیشتر کتک‌زدن و زدوخورد کودک" (شرکت‌کننده‌های شماره ۱ و ۲، ۳۸ و ۴۰ ساله).
 "من کودک‌آزاری ندیدم ولی آدم می‌شونه دیگه، به ذهنم این می‌آد که بچه‌رو بزنی، نذاری بره توکوجه‌اینا، من نامادری اینارو شنیدم که بچه‌رو اذیت می‌کنند، با شیش (نوعی ابزار که در فرش بافی استفاده می‌شود) می‌زنند ولی از نزدیک ندیدم (کودک‌آزاری)" (شرکت‌کننده شماره ۲۷، ۴۲ ساله).

خرده مقوله ۲: مفهوم جنسی کودک‌آزاری

والدین مورد مصاحبه قرار گرفته، در رابطه با بعد جنسی کودک‌آزاری بر عناوین کلی این بعد تأکید کردند؛ به‌عنوان نمونه آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم به تجاوز (بهره‌کشی جنسی)، سوءاستفاده‌های جنسی و دست زدن بی‌اجازه به قسمت‌های خصوصی بدن کودکان اشاره کردند. تابو بودن مسائل جنسی در جامعه فعلی ما می‌تواند بر اطلاعات ارائه‌شده توسط افراد در مورد این بعد تأثیرگذار باشد و آن‌ها را با نوعی عدم آگاهی و یا فشار (احساس شرم) در جهت ارائه درست اطلاعات جنسی مواجه کند؛ از سویی دیگر نقش رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی در انتشار اخبار مربوط به تجاوزها نسبت به کودکان و استفاده مکرر آن‌ها از این

کوشش به عمل آمد که در سراسر تحقیق از پیش‌داوری، قضاوت زودرس و حذف برخی از موارد غیرقابل انتظار و تصور از داده‌های به دست آمده جلوگیری شود و صداقت در تمامی مراحل تحقیق رعایت شود. اطمینان‌پذیری به عنوان معیار آخر صحت و اعتبار داده‌ها که از طریق حساسی دقیق بر کلیه فرآیند تحقیق به دست می‌آید؛ بدین منظور کلیه فرآیندهای تحقیق اعم از جمع‌آوری داده‌های خام، خلاصه و جمع‌بندی‌ها، ایجاد کد و تشکیل طبقات، مقاصد و اهداف تحقیق و نقطه نظرات شرکت‌کنندگان چندین بار با دقت مرور و مورد بررسی مجدد قرار گرفتند تا حد امکان تمامی موارد لازم پوشش داده شوند.

یافته‌ها

دامنه سنی مشارکت‌کنندگان (والدین دانش‌آموزان) بین ۲۷ تا ۴۷ سال، میانگین سنی به‌صورت تقریبی ۳۸ سال و تعداد فرزندان آن‌ها بین ۱ تا ۵ نفر متغیر بود. دو نفر از آنان در مقطع لیسانس، تعداد ۸ نفر یعنی حدود ۲۶ درصد مشارکت‌کنندگان تا مقطع دیپلم و بقیه شرکت‌کنندگان، به جزء یک نفر که سواد خواندن و نوشتن نداشت، تحصیلات در حد زیردیپلم داشتند. بیش‌ترین تعداد مشارکت‌کنندگان این پژوهش را خانم‌ها با تعداد ۲۴ نفر یعنی حدود ۷۷/۵ درصد تشکیل می‌دادند و همه خانم‌های حاضر در پژوهش خانه‌دار بودند و بقیه شرکت‌کنندگان را آقایان تشکیل می‌دادند که شغل آن‌ها از مدیر مدرسه تا کارگری ساختمان متغیر بود که جدول ۱ مشخصات جمعیت شناختی پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین داده‌های به دست آمده پیرامون مصادیق کودک‌آزاری از دیدگاه والدین پس از تجزیه و تحلیل در قالب ۳ مقوله و ۹ خرده مقوله درآمدند که خلاصه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۲ نشان ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی پژوهش

مقادیر، تعداد = ۳۱	
سن	
۲۷-۳۳	۸
۳۴-۴۰	۱۴
۴۱-۴۷	۹
جنسیت	
مذکر	۷
مؤنث	۲۴
تعداد فرزندان	
۱-۲	۲۷
۳-۵	۴
سطح تحصیلات	
بی‌سواد	۱
زیر دیپلم	۲۰
دیپلم	۸
لیسانس	۲
نوع اشتغال	
خانه‌دار	۲۳
قالی‌باف	۱
مدیر مدرسه	۱
معلم	۱
خدمتگزار مدرسه	۱
آزاد	۴

بی‌ارزشی در کودک شود که کارکردهای اجتماعی و تحصیلی کودک را تحت تأثیر قرار داده و قدرت سازگاری او را پایین می‌آورد.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"من بچه مو توی خونه تنها نمی‌ذارم و حتی به پارکم که می‌ریم باهم می‌ریم به همین خاطر باید بیش‌تر مراقب بچه‌ها بود که کجا می‌روند، با کیا دوستند، چیکار می‌کنند..." (شرکت‌کننده شماره ۸، ۳۶ ساله).
 "نرسیدن درس بچه عدم ارزش دادن به اوست ارزش کودک رو پایین‌آوردنه چه زنگ باشه چه تنبل باشه، پرسیدنش بهتره، مراجعه کردن (به مدرسه) بهتره؛ کودک‌آزاری نمی‌دونم محسوب بشه یا نه ولی اعتماد به نفس کودک رو پایین می‌آره..." (شرکت‌کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

"نباید والدین به امورات تحصیلی کودک شون بی‌توجهی کنند، برخی از آقایون به این خانومایی که همش مدرسه می‌آن به خاطر فرزندشون خرده می‌گیرند و می‌گن چون همش این خانوما بی‌کارند می‌آن مدرسه ولی ما هم می‌گیم نه، بیکار نیستیم ولی نمی‌خواهیم به وضعیت تحصیلی فرزندمون بی‌توجهی کنیم، باید بفهمیم بچه‌مون تو مدرسه وضعیتش چگونه هست، چیا یاد می‌گیره، چیکار انجام می‌ده، بله نوعی بی‌توجهی به کودک که نرسیدن امورات تحصیلی فرزند از مدرسه" (شرکت‌کننده شماره ۱۱ و ۱۲، ۳۹ و ۴۱ ساله).

"تنها گذاشتن کودک داخل خونه بعضی مواقع تنها بذاری بچه‌رو (داخل خونه) بری دنبال خوشیت بله کودک‌آزاریه دیگه، بچه خودشو داره می‌خوره که بابام یا مامام داره دل‌خوشی می‌کنه منم دارم تلویزیون می‌بینم برمی‌گرده بچه، خودشو اذیت می‌کنه ولی یه لحظه بزار بمونه (بچه رو) خونه اشکال نداره" (شرکت‌کننده شماره ۲۲، ۳۲ ساله).

مقوله دوم: دامنه کودک‌آزاری

خرده مقوله ۵: خانواده

بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پژوهش در فرآیند مصاحبه، یکسری از خانواده‌هایی را که ویژگی‌های خاصی دارند به‌عنوان خانواده‌های کودک‌آزار یادکردند. این خانواده‌ها ویژگی‌هایی دارند که منجر به کودک‌آزاری می‌شود. درگیری دائمی پدر خانواده برای تأمین امورات معیشتی خانواده و فقدان وقت کافی برای اختصاص دادن زمان و انرژی جهت تربیت کودکی شایسته (غفلت از فرزندان) یکی از این ویژگی‌هاست که باعث نقش مضاعف مادر در تربیت کودک در این امر می‌شود و امورات تربیتی فرزند به‌صورت مستقیم به یک مسئولیت یک‌طرفه برای مادر خانواده مبدل می‌شود. مادرها به دلیل تماس بیش‌تر با فرزند و آگاهی از نیازهای مختلف او و حساسیت نسبت به رفتارهای فرزند و عدم همکاری یا کمبود همکاری پدر با مادر در امر تربیت فرزند، باعث ایجاد نوعی فشار نقش مادرها در تربیت فرزند شده و به برخورد نامناسب با رفتار فرزند منتهی می‌شود. از سویی دیگر از دیدگاه مشارکت‌کنندگان رفتار نامادری‌ها هم به دلیل عدم اهمیت و ارزش دادن به فرزند تحت سرپرستی خود به کودک‌آزاری منجر می‌شود؛ به همین دلیل در مصاحبه‌ها، بیش‌تر والدین نقش مادر را در کودک‌آزاری بسیار پررنگ ارزیابی کردند. در این بین، ناآگاهی والدین از فرآیند رشد و نیازهای فرزندان، از یک‌سو و از سوی دیگر اختلاف‌های فرهنگی والدین (نزاع و کشمکش) و تراکم جمعیت خانواده به دلیل فقدان کنترل و ایجاد هماهنگی بین فرزندان و ناکامی در تأمین هزینه‌های

واژه تا حد زیادی افراد را از پرداختن به ابعاد دیگر بعد جنسی کودک‌آزاری بازداشته است.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"غریبه‌ها و ناآشناهایی که کودکو تهدید می‌کنند (تهدید به صدمه یا آسیب زدن)، نقاط حساس کودکو بهش دست می‌زنند، بدون اجازه دست زدن، شنیدم که تو همسایه‌ها به بچه‌ها بدون اجازه دست زدن" (شرکت‌کننده شماره ۲۱، ۳۰ ساله).

"کودک‌آزاری به‌نوعی در واقع یه بار رفتار والدین با کودکه یه بارم رفتار غریبه‌ها با کودکه، سوءاستفاده‌های جنسی که الان بیش‌تر مطرحه که از طرف خودخانواده‌ها و غریبه‌ها می‌تونه مطرح بشه" (شرکت‌کننده شماره ۲۴، ۴۶ ساله). "محیط خانواده‌ها الان خوب شده وضعیت اونا ولی باز مثلاً پسر مسئله‌ساز شده‌اند، تجاوزها (تعرض جنسی) زیادتر شده نسبت به اونا، این واقعاً خیلی بیش‌تر یه شکسته واسه ماها..." (شرکت‌کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

خرده مقوله ۳: مفهوم عاطفی کودک‌آزاری

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، توهین کردن، فحش دادن و مقایسه کردن، بیش‌ترین مفهوم کودک‌آزاری عاطفی را می‌رساند. مفهوم کودک‌آزاری عاطفی می‌تواند هر موردی باشد که از سوی والدین یا افراد دیگر استفاده شده و بر روی احساسات و شخصیت کودکان تأثیر منفی بگذارد که به‌صورت مستقیم، اعتمادبه‌نفس، کارکردهای تحصیلی و رفتاری و اجتماعی کودکان را مختل کند که به‌تبع آن، کودک احساس بی‌ارزشی و عدم کفایت‌مندی و مفید بودن می‌کند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"توهین و ناسزا گفتن به کودک مثلاً با الفاظی خاص کودک را خطاب کردن می‌تونه جزئی از کودک‌آزاری باشه چراکه شأن و شخصیت کودک‌رو پایین می‌آره..." (شرکت‌کننده‌های شماره ۱ و ۲، ۳۸ و ۴۰ ساله).

"مقایسه بچه خود با دیگران بله کودک‌آزاریه چون وقتی مقایسه صورت می‌گیره شخصیت فرد زیر سؤال می‌ره مثلاً وقتی از لحاظ درسی مقایسه صورت می‌گیره ممکنه بگیریم بچم گیجه به قول آقای محمدزاده (مدیر مدرسه) که می‌گن به بچه خودتون نگیدگیج، گیج خود شماوالدین هستید" (شرکت‌کننده‌های شماره ۱۱ و ۱۲، ۳۹ و ۴۱ ساله).

خرده مقوله ۴: مفهوم غفلت کودک‌آزاری

برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان، غفلت به معنی عدم مراقبت کافی از کودک، ایجاد تنهایی برای کودک و عدم پیگیری امورات تحصیلی و به‌طور کلی عدم توجه به نیازها و خواسته‌های کودک بود؛ اما آن‌ها معتقد بودند که توجه به تمام نیازهای کودک مدنظر نیست بلکه این توجه باید در حد معقول (به‌اندازه) باشد و هر خواسته‌ای که کودک داشته باشد نباید به آن توجه کرد. منظور والدین از توجه به‌اندازه به خواسته‌ها و نیازهای کودک می‌تواند این باشد که این توجه‌ها باید به‌اندازه‌ای باشند که کارکردهای حیاتی کودک را تحت تأثیر قرار ندهد؛ به‌عنوان نمونه بی‌توجهی یا قصور نسبت به نیازهای تغذیه‌ای می‌تواند کارکردهای حیاتی کودک را دچار مشکل کند یا عدم توجه و پیگیری امورات تحصیلی فرزند در مدرسه می‌تواند سبب ایجاد نوعی احساس

که بابا بچه رو می‌زنه باز مامان مقصره گناه تو ماماناست" (شرکت‌کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

"خیلی از کودک‌آزاریا از جانب مادریه چون پدر بیچاره صبح می‌ره شب می‌آد و خانوما هر حرفی را به او می‌زنند بابام (پدر) که خسته و کوفته و خانومام ببخشید فقط تن حرف می‌زنند و اصلاً فرصتی نمی‌دند بعد می‌بینی آقام (پدر) نتونست تحمل کنه حرص شو سرکودک خالی کرده و کتکش می‌زنه..." (شرکت‌کننده‌های شماره ۱۷ و ۱۸، ۳۶ و ۲۸ ساله).

"خیلی از این بدرفتاریا به مشکلات (مالی) برمی‌گرده هر چقدرم بگی باز به مشکلات مالی برمی‌گرده از لحاظ مالی والدین تو مضیقه هستند مثلاً (خیلی به مسائل مالی فکر می‌کنند) پول لباس بچم چقدر می‌شه یا وسایلی چقدر می‌شه به اینا که فک می‌کنند والدین تحت فشار قرار می‌گیرند و به همین خاطر توهین می‌کنند، کتک می‌زنند، دعوا می‌کنند با بچه شون ... " (شرکت‌کننده شماره ۲۲، ۳۲ ساله).

"الآن مشکلات (مالی) زیاده، الآن شما تو حیبت پول داشته باشی اصلاً توجهی نمی‌کنی بچت شلوغ می‌کنه یا نه ولی اعصاب خراب باشه بچه یکم بلند حرف بزنه می‌گی بشین سرجات حرفیم نباشه، ولی آگه وضعیت (مالی) خوب باشه اصلاً مسئله‌ای نیست، بچه هرچی بخواد براش می‌خری، الآن مسئله پول خیلی مسئلس..." (شرکت‌کننده شماره ۲۵، ۴۷ ساله).

"تو فامیلای ما یه نفر هست که نامادریه و بچه شو اذیت می‌کنه، اون خانوم کتکش می‌زنه، پوست شو می‌کنه، با این که اون بچه بزرگیه و مشکل از اون خانومه که با بچه جور در نمی‌آد، فک می‌کنم مشکل از اعصاب والدین باشه حالا حداقل در مورد این خانوم ... " (شرکت‌کننده شماره ۲۹، ۳۵ ساله).

"در مورد کودک‌آزاری من همیشه اولیاری مقصر می‌دونم، کودک که معصومه ولی مشکلات جامعه الآن دامن زده به این مشکلات، ما خودمون به عنوان یه خانواده متوسط بودیم با سه تا بعدشم شیش تا بچه، آقام (پدرم) هم نبودند و مادرم مارو بزرگ کردند، چطور بزرگ کرد پس مارو، ولی با این همه تو جامعه کم و زیاد یه آدم مثبت شدیم، الآن می‌گن فرزندکم‌تر و زندگی بهتر که هیچ گونه به نظرم معنا و مفهوم نداره، الآن ازدواج‌های امروزی بعد دو سه ماه از حالت خودش خارج می‌شه و هیچ گونه پایبندی وجود نداره، فردا این خانوم چطوری می‌خواد بچه بزرگ‌کنه..." (شرکت‌کننده شماره ۱۹، ۴۲ ساله).

"همه خانواده‌ها وقتی در اونا کمبود محبت باشه این اتفاقات (کودک‌آزاری) خواهد افتاد، کودک‌کان می‌دونید رفتاری والدین رو یاد می‌گیرند وقتی با اونا برخورد بدی می‌شه اونا این رفتار رو با کودک خود با خانواده خود یا اطرافیان خود تکرار خواهند کرد؛ به نظر می‌آد محبت در خانواده‌ها کم شده و محبتی نیست و این روند نسبت به گذشته خیلی افزایش یافته" (شرکت‌کننده‌های شماره ۱۲ و ۱۳، ۳۹ و ۴۱ ساله).

"محبت به کودک آگه وجود داشته باشه رفتار والدین به کودک‌آزاری کم‌تر منجر خواهند شد، منظور از محبت اینکه کودک هرکاری بخواد نباید انجام داد، خیلی خوب با او حرف زنده، با زبان قانع‌کردنه و کمبود نداشتنه در غیر این صورت بچه رفاه نخواهد داشت" (شرکت‌کننده شماره ۱۵، ۳۲ ساله).

اولیه آن‌ها به این امر، بیش‌تر دامن می‌زنند. همچنین از دیدگاه مشارکت‌کنندگان خانواده‌هایی که در آن‌ها کمبود محبت وجود دارد؛ به عبارتی خانواده‌هایی که در آن‌ها والدین با فرزندان خود از یک‌زبان گرم، صمیمی و غیرانتقادی و قانع‌کننده در ارتباطشان استفاده نمی‌کنند و نیازهای فرزندان را نادیده گرفته و به آن‌ها اهمیت و ارزش نمی‌دهند، همیشه در این نوع خانواده‌ها شاهد نوعی کودک‌آزاری خواهیم بود. از دیدگاه آن‌ها، وجود محبت در خانواده‌ها به‌عنوان نوعی عامل بازدارنده از کودک‌آزاری عمل خواهد کرد که نقش بسیاری از عوامل مرتبط با کودک‌آزاری از جمله عوامل اقتصادی کودک‌آزاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به نظر می‌رسد محبت در خانواده‌ها یک نوع تاب‌آوری در والدین و کودکان آن‌ها جهت تحمل مشکلات اقتصادی، مدیریت روابط نامناسب والدین و تحمل مشکلات رفتاری فرزندان ایجاد می‌کند که نتیجه این امر، جلوگیری از بروز رفتار کودک‌آزارانه والدین خواهد بود.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"صد درصد تو خانواده‌ها هم مادر و هم پدر نقش دارند در (کودک‌آزاری) الآن نقش پدرها تو خانواده‌ها خیلی کم‌رنگ شده، آن قدر درگیر معیشت و اینا هستند که حالا نمی‌تونند حتی هزینه‌های اولیه رو هم تأمین کنند، حالا اون به کنار، فرصتیم نیست تا وقت بذاره واسه بچش، واسه تربیتش، واسه تفریحش، واسه خواسته‌هاش" (شرکت‌کننده شماره ۲۶، ۳۷ ساله).

"الآن می‌بینی ۵ تا ۱۰ تا بچه به دنیا آورده داده بیرون طرف (پدر و مادرها) و تربیت نداده الآن اونا یا قاتلند یا دزدند یا قاچاقچینند، من می‌گم کم باشه تعداد بچه‌ها ولی تربیت دیده‌باشند، یکی یا دوتا، صد درصد تأثیر (بد) داره (کودک‌آزاری)، الآن هرچقدر بچه توخونه کم باشه رسیدگی از لحاظ امکانات، روحی و رفتاری وضعیت فرق خواهد کرد ولی زیاد باشه مجبوری رها کنی تربیت شونو..." (شرکت‌کننده شماره ۲۵، ۴۷ ساله).

"الآن تو بعضی از خانواده‌ها هم دختر هست هم پسر و دختری که حتی بزرگ‌تر از پسره هست ممکنه متوجه شده باشه که هرچند بچه بزرگه هستش ولی خانواده‌اش بیش‌تر پسر رو دوست دارند و دختری که می‌کنه این موضوع رو و می‌گه شما منو دوست ندارید و پسر رو بیش‌تر دوست دارید؛ این نوعی کودک‌آزاریه با این که این نظر والدین اونه ولی نباید بچه می‌فهمید" (شرکت‌کننده شماره ۲۲، ۳۲ ساله).

"به نظرم مادر، فقط مادرا تأثیر بیشتری در کودک‌آزاری دارند، من کلاً مادرو مسئول (کودک‌آزاری) می‌دونم حتی پدر هم کودک‌آزاری کنه باز صد درصد مادر مقصره، الآن شما فرض کنید پدر فرزندشو اذیت کرد در این جا ممکنه پدر از سرکار برگشته باشه مثلاً مادر سریع می‌گه بچه‌اش این کارها رو کرده (مثلاً شلوغ کرده)، بهش خبر می‌ده، خب پدر دست بزنی خواهد کرد پس باید من کار خودمو (نقش مادری) بکنم؛ خودم رو پای خودم بایستم باید خودم بچه مواگه‌کنم درسته به‌ظاهر از پدر می‌ترسونیمش مثلاً می‌گیم ای وای پدر اومد، اومدکه اومد بابا خوخان (تکه کلام خاص) که نیست، پدرا بیش‌تر از مادرا محبت می‌کنند پدر ممکنه کار کرده و خسته شده و اذیت‌کشیده باشه شاید بیاد دست بزنی کنه، با زبونش چیزی بگه به هر حال قبول ولی باباها واقعاً بیشتر مهربون‌تر هستند؛ بنابراین نقش مامانا خیلی مهمه حتی زمانی

خرده مقوله ۶: جامعه

دائم باید حواسم به بچم باشه تا تکالیف خودشو به خوبی انجام بده و آلا انجام نخواهد داد، البته من منکر این مطلب نیستم که معلمان خوب هم وجود دارند" (شرکت کننده شماره ۳، ۳۸ ساله).

"کودکان با هم دیگه متفاوتند برخی از کودکان واقعاً خیلی خوبند ولی برخی از آن‌ها این طوری نیستند، کودکانی که خوب تربیت شدند و والدین شون، تو خونه با اونا با مهربونی برخورد کردند وقتی اونا وارد مدرسه که می‌شن ممکنه از معلم خود بی‌جهت و بی‌دلیل کتک بخورند یا شاهدکتک خوردن همکلاسیای خودشون باشند تو این وضعیت اونا لجباز می‌شن و تو خونه هم لجبازی می‌کنند و این لجبازی کردن اونا والدین‌شونو مجبور به استفاده از کتک می‌کنه" (شرکت کننده شماره ۴ و ۵، ۴۷ و ۳۲ ساله).

"آدم باید متخصص باشه با توجه به مدرکش، مثلاً یه جا یه زومنی اومدن دیپلمه‌ها رو معلم شون کردند من به یکی از اونا گفتم ببین آخه تو چی می‌خوای به بچه‌ها یاد بدی وقتی هنوز خوندنو نوشتنو خوب بلد نیستی؛ حتی امتحان‌های سوم راهنمایی و املا تو هم من نوشتم تا قبول بشی، تو چطور می‌خوای معلم بشی من سردر نمی‌آرم، وضعیت مملکت ما هم این شکلیه و به نوعی همه‌ی اینا کودک‌آزایه خب گناه بچه من چیه، وضعیت آینه" (شرکت کننده شماره ۱۹، ۴۲ ساله).

"در حیطة جنسی زیاد تو مملکت ما مشکلی نیست حتی تو دنیام مشکلی نیست ولی می‌بینی که هراز گاهی از این جور خبرهای جنسی (تجاوزها) پیش می‌آد این برمی‌گرده به مشکلات اقتصادی چون اون معلمان (معلمان متعرض جنسی به دانش‌آموزان)، معلمان رسمی نبودند شاید از روی اجبار اومدند و علاقه‌ای واسه معلمی نداشته‌اند" (شرکت کننده شماره ۱۶، ۴۶ ساله).

خرده مقوله ۷: نوع و کیفیت کودک‌آزایی

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان نوع و کیفیت کودک‌آزایی در جامعه امروزی با جامعه گذشته متفاوت بوده است. از تحلیل مصاحبه‌های آن‌ها چنین دریافت شد که در جامعه گذشته، بیش‌تر کودک‌آزایی از نوع غفلت بوده است؛ به‌عنوان نمونه، بهره‌کشی کاری و به‌تبع آن عدم توجه به نیازهای کودک، همچنین کودک‌آزایی بیش‌تر در خانواده‌های با تعداد زیاد فرزندان و نسبت به جنس دختر مؤید همین امر بوده است اما از دیدگاه آن‌ها در جامعه فعلی کودک‌آزایی تنوع مختلف به خود گرفته است. از تحلیل یافته‌ها به نظر می‌رسد، در جامعه فعلی حساسیت به کودک‌آزایی جنسی بیش‌تر شده است و جنسیت پسرها بیش‌تر از دخترها در معرض کودک‌آزایی قرار گرفته‌اند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"بعضی از موارد کودک‌آزایی نسبت به قدیم کم‌تر شده مثلاً تو قدیم پسر بچه‌ها رو می‌بردند تو مزارع تا کار کنه یا تو باغ و باغات، الان دیگه اینا نیستند حتی از لحاظ مالی، (والدین) بچه هارو می‌فرستند این چیزارو بیش‌تر درک کنند نه بچه‌های کوچک رو یا بعضی از والدین حداقل برای کار پیش خودشون می‌برند، بله کاهش یافته (میزان کودک‌آزایی)، برمی‌گرده به سواد، درس، میزان تحصیلات و درک مردم که همه اینا تأثیر دارند مثلاً پدر و مادر تو قدیم نمی‌دونستند و مثلاً می‌گفتند بچه بدونه، جمع کردنو بدونه کافیه در حالی که الان این طوری نیست تنها با جمع کردن کاری حل نمی‌شه باید (بچه) از همه چیز سردر بیاره به نوعی" (شرکت کننده شماره ۲۲، ۳۲ ساله).

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به جامعه و مشکلات آن و بعضی از افراد مشکل‌دار و تأثیر گذار داخل آن به‌عنوان عوامل اجتماعی کودک‌آزایی اشاره کردند. برای نمونه آن‌ها به افرادی که مشکلات مالی دارند و به‌تبع آن قادر به ازدواج و تشکیل خانواده نمی‌باشند یا افرادی که در زندگی زناشویی خود دچار مشکلاتی جنسی هستند اشاره کردند که این افراد قادر به کنترل نیازهای بدنی خود نخواهند بود و به‌تبع آن مسائل و مشکلاتی مانند تجاوزها بروز خواهد یافت. از دیدگاه والدین وجود برخی از قوانین خشک که آزادی‌های افراد را محدود می‌کنند و عدم سازوکارهای مدیریتی برای حل مشکلات مالی افراد جامعه به ویژه جوانان، باعث مسائل و مشکلاتی از قبیل کودک‌آزایی خواهد شد. از سویی دیگر مشارکت‌کنندگان به نقش مدارس در بروز کودک‌آزایی اشاره کردند و در این بین به نقش معلمان در آن اذعان داشتند. آن‌ها معتقد بودند که مدارس و به‌ویژه معلمان از کودک‌آزایی جسمی و عاطفی در ابعاد گسترده آن استفاده می‌کنند و این امر سبب تغییرات رفتاری قابل‌ملاحظه در فرزندان شده و باعث کودک‌آزایی توسط والدین برای اصلاح رفتار آن‌ها می‌شود. کودک‌آزایی معلمان از دیدگاه والدین به دلیل تراکم بالای تعداد دانش‌آموزان و فقدان کنترل همه آن‌ها، معلمان غیررسمی و مدارس در مناطق فقیرنشین بود.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"تو جامعه ماکمبود وجودداره، واقعاً خوب جا نیفتاده، افرادی که مثلاً کودک‌آزایی جنسی دارند اکثراً مجردند یا با خانومش تو خونه مشکل جنسی دارند و به همین خاطر بعضی کارا رو انجام می‌دن، ریشه کار می‌دونید به مشکلات مالی اینا برمی‌گرده، پسری که به سن بلوغ رسیده نیاز داره خب، نیاز به ازدواج داره ولی نمی‌تونه می‌آد از این طریق (بهره‌کشی جنسی) برآورده می‌کنه نیازشو، به همین خاطر وقتی یه نفر که مامان و بابا شد باید بیش‌تر مراقبت کنه، آموزش بیش‌تری بده به فرزندش در این حیطة (کودک‌آزایی جنسی)، در مورد قسمت‌های خصوصی اون؛ در مقابل سوءاستفاده‌های طرف مقابل (غریبه‌ها) باید آموزش بده... (شرکت کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

"عمده‌ترین دلیل کودک‌آزایی برمی‌گرده به معلمان، معلمان واقعاً کیفیت لازم و شایستگی لازم رو برای تدریس ندارند، ما (والدین) بچه‌های خودمونو در اختیار اونا (معلمان) قرار می‌دیم تا نیازهای آموزشی اونا رو برطرف کنند ولی اونا خیلی ساده از کنار این موضوع می‌گذرنند، واقعاً من به‌عنوان یه فرد بی‌سواد که شوهرم از صبح تا شب بیکاره و دائم سرگرم فضای مجازیه، با عرض معذرت حتی هنگام دستشویی رفتن و حمام هم‌گوشی رو (موبایل) کنار نمی‌ذاره، چه انتظاری از من بی‌سواده تا فرزندمو آموزش بدم؛ معلمی که حوصله نداره ورقه‌های دانش‌آموزان رو اصلاح کنه و اونا رو با دانش‌آموزان دیگه واگذار می‌کنه و اون دانش‌آموزانی که ورقه‌هارو اصلاح می‌کنند از کجا می‌خوان بفهمند نوشته‌های سایر دانش‌آموزان رو که شاید به زبان خودشون نوشتند، خب نمی‌تونند درک کنند اون نوشته هارو چون عادت کردند فقط به چیزی که از رو کتاب باشه و عین کتاب باشه، خب وقتی معلمان این همه بی‌مسئولیت باشند و من به‌عنوان یه زن که امورات معیشتی خانواده به گردنمه چگونه می‌تونم کودکی شایسته تربیت کنم، معلمان باعث شدن که کودکان هوایی بار بیاند مثلاً من

چهل ساله حکومت اسلامی داریم ولی روحانیت هیچ‌کاری نتوانستند بکنند... (شرکت‌کننده شماره ۲۶، ۳۷ ساله).

خرده مقوله ۹: کمبود آموزش‌ها

از تحلیل داده‌ها چنین استنباط می‌شود که مشارکت‌کنندگان از کمبود کلاس‌هایی که مصادیق کودک‌آزاری را پوشش دهند به‌ویژه در مدارس ناراضیتی داشتند. آن‌ها ضمن ضروری و لازم دانستن این نوع کلاس‌ها، به نقش کم‌رنگ مدارس در برگزاری این نوع کلاس‌ها اذعان داشتند. آن‌ها اعتقاد داشتند ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که همواره آسیب‌های اجتماعی چه والدین و چه فرزندان را تهدید می‌کند؛ بنابراین از مدرسه به‌عنوان یک محیط پاک که در دسترس همگان قرار دارد و می‌تواند در تمامی زمینه‌ها به افراد آموزش بدهد، یاد کردند. در این راستا آن‌ها به آموزش حیطه‌های کودک‌آزاری در مدارس تأکید فراوان داشتند؛ آن‌ها اعتقاد داشتند که با توجه به معضلات پیش‌آمده برای تعدادی از دانش‌آموزان در برخی از مدارس، جای آموزش محافظت جنسی در مدارس بسیار خالی است؛ آن‌ها هرچند معتقد بودند که دانش‌آموزان باید از طریق مدارس آگاه‌سازی شوند ولی بر این نکته نیز تأکید داشتند که مدرسه یک محیط پاک است که مملو از تعداد زیاد دانش‌آموزان می‌باشد و وقت کافی برای آموزش همه دانش‌آموزان نیست؛ بنابراین بهتر است مدارس ابتدا از آموزش والدین شروع کنند تا والدین در صورت صلاح‌دید کودکان خود را آموزش دهند؛ ضمن این‌که آن‌ها به نقش سایر مراجع در آموزش‌ها تأکید داشتند و صرفاً روی مدارس به‌تنهایی اتکا نکردند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"کلاس‌هایی باید برگزار بشه کلاً در تمام زمینه‌ها برای خانواده‌ها، اصلاً کاری به کار آدم ندارند، مثلاً تو این مدرسه در سال یه بار جلسه اولیا و مربیان برگزار می‌شه اونم کارشناسان بهداشت یا یه روانشناس تو سال یه بار می‌آن، اولیا و دانش‌آموزان بالاخره باید آگاه باشند، الان نه تنها معلمان حتی در مساجد و باشگاه‌ها هم مسائلی پیش می‌آد، در خیلی از زمینه‌ها مشکل هست..." (شرکت‌کننده شماره ۱۰، ۳۸ ساله).

"اطلاعات ما عمدتاً از طریق تلویزیون به دست آمده و مدارس هم متأسفانه کلاس‌های این طوری (کودک‌آزاری) برگزار نمی‌کنه، ببینید باید مدارس این‌گونه کلاس‌ها داشته باشند چون بیشتر آقایون به غیر از مدرسه به همسران شون اجازه رفتن به جای دیگه رو نمی‌دن ولی متأسفانه تو مدارس از این کلاس‌ها اصلاً برگزار نمی‌شه؛ باید تو مدارس روانشناسان و مشاورانی وجود داشته باشند که در مورد کودکان و حتی زندگی‌ناشویی آگاهی بدنند... با توجه به شناختی که ما از سایر والدین این مدرسه داریم واقعاً آگاهی اونا خیلی کمه، مدرسه بهترین محیط برای این‌کاره ولی اخیراً اتفاقی که در یکی از مدارس غرب تهران (تعرض جنسی) افتاد واقعاً وجهه مدارس رو زیر سوال برد؛ آدم نمی‌تونه دیگه اعتماد کنه ما خودمون شخصاً تو خونه با بچه‌مون در مورد ادب و اینا حرف زدیم ولی در حیطه جنسی نه و نیاز به نظرمون در این حیطه به والدین تو مدارس آموزش‌های لازم داده بشه، ما کاملاً موافق این قضیه هستیم؛ ما تو این مدرسه شاهد بوده‌ایم که برخی از دانش‌آموزان دست تو شلوارشون کرده‌اند یا شنیده شده که برخی از دانش‌آموزان با بچه‌های دیگه کارهای بی‌تربیتی کرده‌اند تو دست‌شویی، خب مدیر چیکار کنه با این حجم از دانش‌آموزان، نمی‌تونه همه اونا رو کنترل کنه

"کودک‌آزاری در مقایسه با قدیم افزایش یافته به نظر، چون قدیم این فشار، بخصوص فشار اقتصادی و این پیشرفت اینا نبودند ولی امروزه این چیزا باعث سردرگمی افراد شدند و به این مشکلات (کودک‌آزاری) بیشتر دامن زده‌اند" (شرکت‌کننده شماره ۱۱، ۳۵ ساله).

"کودک‌آزاری تو جامعه فعلی ما افزایش یافته چون آگاهی (آموزش‌ها) ما کمه و به بچه هم آگاهی نمی‌دیم و اونم نمی‌دونه، باید به کودک آگاهی داد من مثلاً از یه مسیری که می‌رم و می‌دونم که این مسیر منحرفیه باید بگم به بچم..." (شرکت‌کننده شماره ۲۰).

"کودک‌آزاری افزایش یافته، تو بعضی از سطح‌ها فکر می‌کنیم زیاد شده، یه خورده از لحاظ روحی، اقتصادی و یه کمیم به خانواده‌ها برمی‌گرده علتش که خانواده خیلی مهمه" (شرکت‌کننده‌های شماره ۳۰ و ۳۱، ۳۳ و ۲۷ ساله).

"الآن دختران دیگه تو اولویت نیستند به اندازه پسران، پسران الان تو اولویت بیش‌تر کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند، برعکس قدیم که بیش‌تر، دختران تو کورس بودن از ۱۰۰ درصد مثلاً ۱ درصد احتمال داشت که‌ای وای این اتفاق برای پسران بیفته ولی الان ۹۹ درصد پسران در معرض خطرند هرچند انتظاراتها اینه که پسران از ما محافظت کنند، اله‌کنند بله‌کنند (تکه کلام خاص)، خانوم شونو نگه دارند، بچه شونو نگه دارند، آجی شونو نگه‌دارند، چون شونو نگه دارند" (شرکت‌کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

"کودک‌آزاری تو جامعه فعلی ما فک می‌کنم کاهش پیدا کرده چون قدیم معلوم نبود که بچه کجا بزرگ می‌شه و قتیتم می‌اومد خونه یکم از مادرش و یکم از پدرش کتک می‌خورد، فک می‌کنم قدیم (میزان کودک‌آزاری) بیش‌تر بود و الان (تعداد) بچه‌ها کم‌ترند، یکی یا دوتا به همین خاطر (میزان کودک‌آزاری) کم‌تر شده" (شرکت‌کننده شماره ۲۱، ۳۰ ساله).

مقوله سوم: کمبودهای کودک‌آزاری

خرده مقوله ۸: کمبود آگاهی‌ها

بسیاری از مشارکت‌کنندگان اذعان کردند که شناخت از کودک‌آزاری و مصادیق آن در بین افراد جامعه ناقص است و شناخت صحیحی از آن ندارند. پدر و مادرها از این پدیده غافل مانده‌اند و کمبود آگاهی آن‌ها از این پدیده باعث خواهد شد که فرزندان خودشان را ناخواسته در معرض کودک‌آزاری قرار دهند. هرچند نقش سطح سواد به‌تنهایی در مصون ماندن از کودک‌آزاری کم‌رنگ ارزیابی شد و روی عوامل دیگر به همراه سطح سواد تأکید شد ولی همه مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که هم افراد با سطح تحصیلات پایین و هم بالا نیازمند آگاه‌سازی در مورد این پدیده هستند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

"من نمی‌گم میزان آزارمردم بالا شهر کم‌تره ولی چون سواد اونا بیش‌تره می‌دونند باید چیکار کنند، (مردم) مناطق پایین ما اطلاعات شون صفره و اکثر آزار و اذیت‌ها در این منطقه چه در مورد خانوم‌ها چه در مورد آقایون از همه لحاظ" (شرکت‌کننده شماره ۹، ۳۸ ساله).

"شناخت مردم از این پدیده ناقصه، ببینید ما یکسری آموزه‌های دینی و اعتقادی داریم و خب دین مومن اسلامه و تو اسلام در مورد روابط با کودک اینا مطالب و آموزه‌ها را به ما درست انتقال ندادند و با این‌که

در بروز کودک‌آزاری شناخته شدند که بخش قابل توجهی از وقت و انرژی والدین را به خود اختصاص داده و باعث غفلت از فرزند می‌شود که در این راستا؛ اسداللهی و همکاران در پژوهشی نشان دادند که بین میانگین نمره کل نگرش به کودک‌آزاری با وضعیت اقتصادی پدران رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین نتایج این مطالعه نشان داد پدران با کودک‌آزاری مخالف بودند و پدرانی که سطوح تحصیلی و میزان درآمد آن‌ها پایین باشد، مستعد کودک‌آزاری خواهند بود [۲۰].

افزون بر این نتایج پژوهش حلاج زاده و همکاران، نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین شاخص‌آگاهی از کودک‌آزاری عاطفی و جسمی و سرمایه اقتصادی پاسخگویان وجود دارد؛ به گونه‌ای که با بالا رفتن سرمایه اقتصادی افراد بر میزان آگاهی افراد از مصادیق کودک‌آزاری جسمی و عاطفی پاسخگویان نیز افزوده می‌شود. به عبارت دیگر آن دسته از پاسخگویانی که از سرمایه اقتصادی بالاتری برخوردار هستند در رفتار با کودکانشان کم‌تر تمایل به استفاده از رفتارهای خشونت‌آمیز دارند و بالعکس. همچنین؛ مدنی قهفرخی و بیات، در پژوهشی که به بررسی رابطه فقر و کودک‌آزاری پرداخته بودند یافته‌های آن‌ها نشان داد که وقوع پدیده کودک‌آزاری متأثر از عوامل تعیین‌کننده فقر قابلیت‌ی مانند درآمد خانواده، نوع منزل مسکونی، منطقه محل سکونت و کار کودکان است و نشان دادند که کودک‌آزاری در خانواده‌های فقیر و با طبقات اقتصادی ضعیف، شایع‌تر از سایر طبقات است و آن را یکی از عوامل زمینه‌ساز کودک‌آزاری به‌ویژه در بعد غفلت دانستند [۲۱].

در پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان، نقش مادران را در بروز کودک‌آزاری مضاعف و بیش‌تر از پدران دانستند. تحلیل داده‌ها نشان داد که مشکلات خانوادگی و مشکلات اقتصادی به‌ویژه از نوع معیشتی و شغلی باعث عدم همکاری یا همکاری کم پدر در امورات تربیتی فرزندان با مادر خانواده، تربیت فرزند به یک نقش یک طرفه برای مادر تبدیل شده است که در نتیجه‌ی تماس بیش‌تر مادر با فرزند و افزایش حساسیت او نسبت به رفتارهای فرزند و ناتوانی در کنترل کردن آن، احتمال بدرفتاری مادر با فرزند خواهد بود و به تبع آن نقش مادران در کودک‌آزاری پررنگ ارزیابی شدند که در این راستا؛ نتایج پژوهش قاسمی و همکاران، نشان داد مادران خانه‌دار و دارای تحصیلات پایین‌تر بیش‌تر از تنبیه بدنی استفاده می‌کردند و مشکلات رفتاری از قبیل پرخاشگری عملی و کلامی، گوشه‌گیری و عدم همکاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه می‌شدند نسبت به آن‌هایی که تنبیه نمی‌شدند به‌طور معنی‌داری بیش‌تر بوده است [۲۲].

افزون بر این ریگالادو (۲۰۰۴) و تانگ (۲۰۰۶)، معتقدند در مقایسه با مادرهای جوان، احتمال کم‌تری وجود دارد که مادرهای مسن‌تر از شیوه‌های خشونت‌آمیز انضباطی استفاده کنند که این امر ممکن است به دلیل بی‌تجربگی مادرهای جوان و کمبود دانش‌های مدیریت فرزندان‌شان و رنج بردن از استرس ناشی از کاهش منابع مالی یا مسکن باشد. همچنین نتایج مطالعه‌ای نشان داد که بین توانگری دسته ثروتمند و استفاده‌های از شیوه‌های خشونت‌آمیز رابطه منفی وجود دارد؛ این بدان معنی است، مادرانی که در خانواده‌هایی با کم‌ترین درآمد زندگی می‌کنند، دارای ریسک بالاتری از انضباط کودک در مقایسه با کسانی هستند که در خانواده ثروتمند زندگی می‌کنند [۲۳].

بنابراین باید آموزش والدین صورت بگیرد و باید اونا آگاه بشند و بازمی‌گیریم اساس به محبت خانواده‌ها برمی‌گردد، محبت که نباشد بچه همه‌کاره خواهد شد. (شرکت‌کننده شماره ۱۲، ۱۳، ۳۹، ۴۱ ساله). "برگزاری کلاس‌های کودک‌آزاری برای برخی خانواده‌ها بیش از حد نیاز، واقعیت آینه که باید با راه و روشش بگن تا مردم بفهمند و آگاه بشند" (شرکت‌کننده‌های شماره ۱۷ و ۱۸، ۳۶ و ۲۸ ساله).

بحث

در راستای مفهوم کودک‌آزاری مبنی بر این‌که کودک‌آزاری جسمانی از نگاه مشارکت‌کنندگان هر رفتاری است که با کتک زدن و به طور کلی با زدن کودک همراه باشد صرف نظر از اشاره مستقیم به طیف خفیف، متوسط و شدید آن و کودک‌آزاری عاطفی، توهین کردن، ناسزا گفتن و مقایسه کردن کودک و کودک‌آزاری از نوع غفلت، بیش‌تر، بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های فرزند را از دیدگاه مشارکت‌کنندگان دربر می‌گرفت؛ زهرایی مقدم و همکاران، در پژوهشی نشان دادند به‌طور کلی ۶۷/۵ درصد یعنی ۶۴۵ نفر از کودکان این پژوهش مورد تنبیه فیزیکی قرار گرفته بودند که سبلی زدن را شایع‌ترین رفتار مرتبط با آزار جسمی گزارش کرده بودند. علاوه بر این، ۷۰ درصد مورد آزار عاطفی قرار گرفته بودند که توهین کلامی با ۸۲/۰۶ درصد و مقایسه با دیگران با ۴۱ درصد شایع رفتارهای مرتبط با آزار عاطفی بودند [۱۶]. افزون بر این، ویژه و همکاران، در پژوهشی نشان دادند که در حیطه آزار جسمی، شایع‌ترین آزارها عبارت بودند از: سیلی زدن و لگزدن؛ در حیطه بی‌توجهی یا غفلت، شایع‌ترین آزارها عبارت بودند از: بی‌توجهی به بیماری فرزند، نبردن نزد پزشک و بی‌توجهی به علاقه‌مندی‌های فرزند و در حیطه آزار عاطفی، فریاد زدن و ناسزا گفتن فراوان‌ترین نوع آزار بودند [۱۷].

در این پژوهش دیدگاه والدین از مفهوم جنسی کودک‌آزاری بیش‌تر به تجاوز یا بهره‌کشی جنسی محدود می‌شد و از سایر ابعاد آن آگاهی والدین مشارکت‌کننده ناکافی بود که این ضعف آگاهی در فرآیند مصاحبه نشان از تابو بودن مسائل جنسی و عدم پرداختن به آن و تا حدودی ناشی از دیدگاه سنتی آن‌ها به این امر می‌شد که در این راستا؛ چن (۲۰۰۵)، چن، دون و هان (۲۰۰۷) در تعدادی از مطالعات مورد بررسی دانش والدین در مورد پیشگیری از کودک‌آزاری جنسی، نشان دادند که دانش و آگاهی مادرها از بعد جنسی کودک‌آزاری ناکافی بوده است و تعریف مادرها از این پدیده محدود به "تجاوز" به عنف می‌شده است و در مورد انواع دیگر آن از قبیل لمس و بوسیدن نادیده گرفته می‌شد. این محدودیت و سردرگمی در مورد تعریف کودک‌آزاری جنسی باعث سردرگمی می‌شود و مادرها به سوءاستفاده جنسی پاسخ نامناسب می‌دهند. آن‌ها در طول آموزش پیشگیرانه خود، روی تجاوز متمرکز می‌شوند و سایر انواع سوءاستفاده‌ها را دست‌کم می‌گیرند؛ بنابراین بدون آگاهی مادرها، کودک می‌تواند در انواع خفیف و متوسط مورد سوءاستفاده جنسی قرار بگیرد. همچنین حلاج زاده و همکاران در پژوهشی در رشت نشان دادند که دیدگاه والدین نسبت به کودک‌آزاری جنسی دیدگاهی سنتی و محافظه‌کارانه بوده است [۱۸، ۱۹].

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان این پژوهش، مسائل اقتصادی که درگیری دائمی والدین به‌ویژه پدر خانواده با امورات معیشتی را در پی دارد همچنین فقدان شغل و بیکاری، نبود سرمایه و مشکلات مالی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های فرزندان، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل مؤثر

کودک‌آزاری نبوده در این صورت چنان چه از دیدگاه مشارکت‌کنندگان نیز دریافت می‌شود، هم افراد با تحصیلات پایین و هم افراد با تحصیلات بالا نیازمند آگاه‌سازی در مورد این پدیده خواهند بود. همچنین نقش مدارس در آموزش حیطه‌های کودک‌آزاری به ویژه نقش مدارس در مناطق کم برخوردار با توجه به آسیب‌های فزاینده در این مناطق، در جهت افزایش آگاه‌سازی والدین و دانش‌آموزان بسیار مهم بود. در این راستا؛ نتایج پژوهش برسارد و فیوروانتی، نشان داد که مدرسه بر پایه برنامه پیشگیری از سوءاستفاده برای دوران کودکی اولیه و کودکان ابتدایی در افزایش دانش دانش‌آموزان و رفتارهای محافظتی مؤثر بوده است [۲۵]. حبیبی و همکاران نیز در پژوهشی که به بررسی نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه کودک‌آزاری پرداخته بودند نتیجه گرفتند که این پژوهش‌ها حاکی از آن است که کودک‌آزاری به دلیل عدم آگاهی والدین از عوارض مخرب آن بر فرزندان انجام می‌شود بنابراین لزوم بالا بردن آگاهی والدین جهت پیشگیری و کاهش کودک‌آزاری ضرورت می‌یابد [۲۶]. افزون بر این‌ها؛ میری و همکاران، نشان دادند که آزمون‌های، کودک‌آزاری عاطفی را بیش از سایر ابعاد کودک‌آزاری تجربه کرده بودند و مادران با تحصیلات، کودک‌آزاری جسمانی، عاطفی و غفلت کم‌تری را گزارش کرده بودند [۲۷].

یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان کودک‌آزاری در جامعه فعلی در مقایسه با گذشته تا حدودی روند افزایشی به خود گرفته است که حتی نوع و کیفیت آن نیز تنوع پیدا کرده است و در جامعه فعلی حساسیت نسبت به کودک‌آزاری جنسی بیش‌تر شده است که این افزایش شیوع کودک‌آزاری ناشی از ضعف یا کمبود آگاهی و مسائل اقتصادی عنوان شد. در این راستا؛ احمدی در مقاله‌ای می‌نویسد به علت نبود آمار دقیقی از میزان کودک‌آزاری امکان مقایسه روند جاری با گذشته وجود ندارد؛ ضمن این‌که بسیاری از کودک‌آزاری‌هایی که اکنون شاهد آن‌ها هستیم ریشه در گذشته دارند و از گذشته به ارث رسیده‌اند؛ با این حال او معتقد است که کودک‌آزاری جنسی و جسمی حساسیت فراوانی را در جامعه امروزی تولید کرده است که البته قضاوت در مورد آن با پیچیدگی‌هایی همراه است. از دید وی حتی با فرض این پیش‌فرض که تعداد وقوع کودک‌آزاری تفاوت چندانی با گذشته نکرده باشد اما از لحاظ تأثیرگذاری، دامنه آسیب‌ها، علل و زمینه وقوع آن‌ها تفاوت انکارناپذیری با گذشته دارد و ضریب آسیب‌پذیری کودکان به‌شدت افزایش یافته است [۲۸].

در این پژوهش معلم‌ها به عنوان افراد تأثیرگذار جامعه یکی از عوامل مهم کودک‌آزاری (دانش‌آموز آزاری) در محیط مدارس و کلاس‌های درس بودند. تحلیل یافته‌ها نشان داد که مشارکت‌کنندگان ضمن قدردانی از تلاش‌ها و زحمات معلم‌ها از برخی معلم‌های مدارس به‌ویژه معلمانی که صلاحیت تدریس ندارند، معلم‌های غیررسمی و فاقد علاقه به شغل معلمی و مدارس (بیش‌تر مدارس مناطق محروم) که معلمان آن‌ها با انبوهی از دانش‌آموزان سروکار دارند و قابلیت کنترل همه آن‌ها را ندارند به‌عنوان افرادی یادکردند که در کلاس‌های درس دچار کودک‌آزاری می‌شوند. هر چند یافته‌های پژوهشی کافی برای حمایت از این یافته، به دست نیامد اما با این حال؛ در پژوهشی که نمونه‌های آن را ۵۰۰ دانش‌آموز پایه‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مدارس دبیرستانی استانبول تشکیل می‌دادند نشان داد که ارتباط مثبت معناداری بین آزار عاطفی والدین و معلم با بیگانگی از مدرسه وجود دارد و

این پژوهش نشان داد که در خانواده‌ها یک عامل کلیدی بازدارنده از کودک‌آزاری وجود دارد که تحت عنوان محبت در خانواده‌ها شناخته شد. چنان چه کمبود محبت در خانواده‌ها وجود داشته باشد به‌عنوان یک نشانه و زنگ خطری برای بروز کودک‌آزاری خواهد بود اما اگر محبت در خانواده‌ها وجود داشته باشد از جمله محبت بین والدین و فرزندان، به‌عنوان یک عاملی خواهد بود که تاب‌آوری افراد را زیاد کرده و نقش عوامل به وجود آورنده کودک‌آزاری را تحت تأثیر قرار داده و از بروز آن‌ها جلوگیری می‌کند بنابراین محبت به‌عنوان یک عامل بازدارنده از کودک‌آزاری عمل می‌کند. در این راستا؛ خاک‌رنگین و فتحی، در پژوهشی نشان دادند که والدین آزارگر بیش از والدین غیرآزارگر در دوران کودکی خشونت از والدین خود را تجربه کرده بودند؛ والدین آزارگر به‌مراتب بیش از والدین غیرآزارگر با همسرانشان تعارض داشتند؛ دسترسی والدین غیرآزارگر به حمایت‌های اجتماعی بیش از والدین آزارگر بوده است و میزان انزوای اجتماعی والدین آزارگر به‌مراتب بیش از والدین غیرآزارگر بوده است [۲۴]. همچنین رانین، و تام، آی کپدا، حسن و رامپرو (۲۰۰۲)، از پژوهش‌های بین‌فرهنگی انجام یافته، نتیجه گرفتند که والدین متعددی احتمال بیش‌تری دارد جوان، تنها، فقیر و بیکار باشند و تحصیلات کم‌تری نسبت به هم‌تایان غیر متعددی خود داشته باشند به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه و صنعتی، مادران فقیر، جوان و تنها، مادرانی هستند که بیش‌ترین خطر را برای استفاده از خشونت علیه فرزندان خود دارند. به‌عنوان مثال در ایالات متحده مادران تنها، سه برابر بیش‌تر از تأدیب فیزیکی خشن در مقایسه با مادرانی که در خانواده‌های دو والدی هستند، گزارش می‌دهند که استفاده کرده‌اند. افزون بر این تعدادی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری در بسیاری از مطالعات با سوءاستفاده و غفلت از کودکان ارتباط دارند. والدینی که کودکان خود را مورد کودک‌آزاری جسمی قرار می‌دهند تمایل به عزت‌نفس پایین، کنترل ضعیف خود، مشکلات سلامتی و روانی و تظاهر به رفتارهای ضداجتماعی دارند. بسیاری از این ویژگی‌ها والدین را در رسیدن به سیستم‌های حمایت اجتماعی با دشواری مواجه می‌کنند. سایر عوامل مرتبط با کودک‌آزاری مانند سن والدین جوان، استرس، انزوا، ازدحام بیش از حد در خانه، مصرف مواد و فقر ممکن است پیش‌بینی بیش‌تری داشته باشند. افزون بر این‌ها؛ سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده میزان انسجام و همبستگی است که در جوامع وجود دارد. به نظر می‌رسد کودکان در جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی کم‌تر است، در معرض خطر بیش‌تر سوءاستفاده و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری هستند از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات نزدیک نشان داده شده است که از کودکان محافظت می‌کنند؛ این مورد حتی در مورد کودکانی که با تعدادی از عوامل خطر مانند فقر، خشونت، سوءاستفاده از مواد و والدین با سطوح پایین موفقیت تحصیلاتی هم صدق می‌کند و به نظر می‌رسد با سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی محافظت می‌شوند.

این پژوهش نشان داد که فقدان آگاهی از مصادیق کودک‌آزاری باعث مرتکب شدن کودک‌آزاری از سوی افراد خواهد شد با این حال میزان تحصیلات و سطح سواد به‌عنوان افزایش دهنده درک و فهم و منبعی جهت افزایش آگاهی از مصادیق کودک‌آزاری تأثیر خیلی مهمی دارد اما اگر مدرک تحصیلی به‌عنوان ملاک سطح سواد قرار بگیرد صرف نظر از محتوای آن، به‌تنهایی یک عامل مستقل برای مصون ماندن از

آن‌ها برای شناخت عمیق این پدیده، بیش‌ازپیش احساس می‌شود به‌گونه‌ای که بیش‌تر مشارکت‌کنندگان، برگزاری کلاس‌های آگاه‌سازی از کودک‌آزاری را لازم، ضروری و مفید دانستند. در این راستا؛ نقش مراجع آموزشی از قبیل مدارس و رسانه‌ها به‌عنوان دو نهادی که در دسترس عموم مردم هستند، بسیار مهم بوده و ضرورت دارد تا برنامه‌های آموزشی لازم را برای والدین و کودکان در حیطه کودک‌آزاری تدارک ببینند.

در این پژوهش به دلیل اجتناب از برجسب کودک‌آزاری زدن به مشارکت‌کنندگان از آن‌ها به‌صورت تصادفی دعوت به انجام مصاحبه به عمل آمد لذا فقدان دسترسی به والدین کودک‌آزار محدودیت این پژوهش به شمار می‌رود. همچنین احتمال دخیل بودن عوامل روان‌شناختی و فرهنگی که ابراز رفتار بدرفتارانه در خانواده یا خانه را از سوی مشارکت‌کنندگان تحت تأثیر قرار داده و باعث تلاش برای رازداری از سوی آن‌ها می‌شد محدودیت بعدی پژوهش را تشکیل می‌دهد. با توجه به این که دیدگاه‌ها نسبت به بعد جنسی کودک‌آزاری محدود بود پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیش‌تری در رابطه با بعد جنسی کودک‌آزاری جهت شناخت عمیق این بعد از کودک‌آزاری تدارک دیده شوند و مصاحبه با والدین کودک‌آزار در راستای آگاهی از دیدگاه‌های آن‌ها پیشنهاد می‌شود. در کنار این دو پیشنهاد، لازم و ضروری است مسئولان ذی ربط تلاش و تمهیدات لازم را برای افزایش آگاهی والدین از جمله والدین در مناطق محروم از طریق مدارس و در صورت امکان از طریق رسانه‌ها فراهم کنند تا ضعف‌های آگاهی آن‌ها از طریق آموزش‌های اصولی پیشگیری از کودک‌آزاری جبران گردد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی با گرایش تربیتی است که طرح پژوهشی (پیشنهاد) آن در مورخه ۹۶/۱۱/۲۹، بند ۴ و چهاردهمین جلسه گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز (۱۴/۴، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹)، مطرح شده و در مورخه ۹۶/۱۲/۷، بند ۱۴ و بیست و دومین جلسه دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز (۲۲/۱۴، ۱۳۹۶/۱۲/۰۷)، تصویب شده است. لذا از کسانی که همکاری‌های لازم را داشتند به ویژه از رئیس و معاونان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز، آموزش و پرورش کل، ناحیه یک تبریز، مدارس منتخب و همچنین والدین مشارکت‌کننده صمیمانه سپاسگزاری می‌گردد.

References

1. Khouzabi K. [Report a case of Sexual Abuse]. Soc Welfare Q. 2003;2(7):131-40.
2. Ezazi S. [Family violence, batterab women]. Tehran: Sali; 2001.
3. World Health Organization. Report of the consultation on child abuse prevention. Geneva: World Health Organization, 1999.
4. Cetin Z, Ozozen Danaci M. A Multivariate Examination of the Child-Abuse Potential of Parents with Children Aged 0-6. Eurasian J Edu Res. 2016;16(66):1-30. doi: 10.14689/ejer.2016.66.4
5. Butchart A, Harvey AP, Mian M, Fūrniſs T. Preventing child maltreatment: a guide to taking action and generating evidence. Genova: World Health Organization, 2006.
6. Mash EJ, Wolfe DA. Abnormal Child Psychology. 4th ed: Wadsworth Publish; 1999.
7. Krug EG, Dahlberg LL, Mercy JA, Zwi AB, Lozano R. In: Etienne GK, editor. World report on violence and health: World Health Organization; 2002.
8. Caring for Child, Tips on Raising Children in Australia: Settlement Services International (SSI) Caring for

دانش‌آموزانی که در مدرسه از لحاظ تحصیلات خود موفق نمی‌شوند گزارش بیش‌تری از آزار عاطفی توسط والدین و معلم خود نسبت به سایر دانش‌آموزان موفق از نظر تحصیلی می‌دهند [۲۹].

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه‌های والدین از مصادیق کودک‌آزاری انجام گرفت و سه مقوله اصلی با عنوان مفهوم کودک‌آزاری، دامنه کودک‌آزاری و کمبودهای کودک‌آزاری همراه با خرده مقوله‌هایی تشکیل شد. در راستای پاسخ به سؤال پژوهش که والدین، کودک‌آزاری را چگونه روایت می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت که دامنه آگاهی والدین مشارکت‌کننده در رابطه با سه مفهوم جسمانی، عاطفی و غفلت کودک‌آزاری خوب بود هر چند که آن‌ها به طیف خفیف، متوسط و شدید کودک‌آزاری اشاره نکردند و فقط موارد کودک‌آزاری را برشمردند ولی با این حال، دامنه آگاهی آن‌ها در رابطه با مفهوم کودک‌آزاری جنسی محدود بود و بیش‌تر روی جنبه‌های شناخته شده آن متمرکز می‌شدند که به نظر می‌رسد تابو بودن مسائل جنسی در جامعه فعلی ما، مانع پرداختن به این مسئله شده و ارائه درست اطلاعات را در رابطه با این بعد از کودک‌آزاری تحت تأثیر خود قرار داده و مشارکت‌کنندگان را با نوعی احساس شرم در بیان مسائل جنسی مواجه می‌کند؛ لذا آگاهی والدین از این حیطه کم و ناقص بود که لزوم آگاه‌سازی آن‌ها از این حیطه احساس می‌شود. عدم شناخت این بعد از کودک‌آزاری باعث خواهد شد والدین ناخواسته کودک خود را در معرض سوء استفاده هم در خانواده و هم اجتماع قرار دهند. همچنین سطح آگاهی آن‌ها از دامنه و گستره‌ی کودک‌آزاری گسترده بود و بخش قابل توجهی از آگاهی والدین را به خود اختصاص می‌داد. نگرانی آن‌ها از برخی از معلمان مدارس که رفتارهای آن‌ها باعث بروز دانش‌آموز آزاری از سوی آن‌ها می‌شود کاملاً مشهود بود؛ لذا اتخاذ تدابیری برای آگاه‌سازی کارکنان مدارس جهت پیشگیری و کنترل این معضل بیش از پیش ضرورت دارد. همچنین سطح آگاهی آن‌ها از عوامل پیشگیرانه از کودک‌آزاری به ویژه عوامل خانوادگی و اقتصادی - اجتماعی کودک‌آزاری خوب بود به گونه‌ای که تأکید آن‌ها روی مرتفع کردن عوامل اقتصادی - اجتماعی و راهکارهایی جهت افزایش محبت و صمیمیت در خانواده‌ها بیانگر عمق توجه آن‌ها به ریشه‌های این معضل جهت پیشگیری و کنترل آن بود. افزون بر این‌ها؛ شرایط اجتماعی حاکم و آسیب‌های نوظهور فعلی آن به ویژه افزایش حساسیت نسبت به کودک‌آزاری جنسی لزوم آگاه‌سازی بیش‌تر والدین از کودک‌آزاری برای ممانعت و پیشگیری از کودک‌آزاری و پیامدهای آن در جهت کمک به

- Children; 2019 [updated 2019; cited 2019]. Available from: <https://www.ssi.org.au/resources/publications>.
9. Radford L, Corral S, Bradley C, Fisher HL. The prevalence and impact of child maltreatment and other types of victimization in the UK: findings from a population survey of caregivers, children and young people and young adults. *Child Abuse Negl.* 2013;37(10):801-13. doi: [10.1016/j.chiabu.2013.02.004](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.02.004) pmid: 23522961
 10. Aeen F, Deris F, Shahgholian N. [Effect of home visit and hospital readmission]. *Iran J Nurs.* 2001;14(28).
 11. Child Maltreatment 2019 [updated 2019; cited 2019]. Available from: www.acf.hhs.gov/cb/research-data-technology/statistics-research/child-maltreatment.
 12. [Child Abuse does not require a private plaintiff] 2017 [updated 2020; cited 2017]. Available from: <http://www.sepidonline.ir/d/1396/06/20>.
 13. Tabrizi M. [Analyzing qualitative content in terms of deductive and inductive approaches]. *Soc Sci.* 2014;21(64):105-38.
 14. Momeni rad A, Ali Abadi K, Fardanesh S, Mozayani N. [Qualitative content analysis in the research: the nature, stages and validity of the results]. *Edu Meas.* 2014;4(14):187-222.
 15. Rezapour Nasrabad R. [Criteria of Validity and Reliability in Qualitative Research]. *J Qual Res Health Sic.* 2017;8(4):493-9.
 16. Zahrabi Moghadam J, Nouhjah S, Divdar M, Sedaghat Dyl Z, Adibpour M, Sephavand Z. [Frequency of child abuse and some related factors in 2-5 years children attending health centers of Ahvaz and Haftgel in 2011]. *Jentashapir.* 2012;3(1):237-45.
 17. Vizeh O, Moradi S, Fadaee Z, Habibi AsgharAbad M. [A comparative study of the prevalence of child abuse in highschools based on gender, education and history of divorce in the family]. *J Family Res.* 2008;4(2):145-65.
 18. Chen J, Dunne MP, Han P. Prevention of child sexual abuse in China: knowledge, attitudes, and communication practices of parents of elementary school children. *Child Abuse Negl.* 2007;31(7):747-55. doi: [10.1016/j.chiabu.2006.12.013](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2006.12.013) pmid: 17628670
 19. Hallajzadeh H, Shadmanfaat M, Kabir S. [Parents Awareness of Child Abuse (Case Study, Rasht City)]: State Welfare Organization of Guilan Province; 2014.
 20. Asadollahi M, Jabraeili M, Asghari Jafarabadi M, Hallaj M. [Parents' Attitude Toward Child Abuse Conducted in the Health Centers of Tabriz]. *Int J Sch Health.* 2016;3(3). doi: [10.17795/intjsh-31198](https://doi.org/10.17795/intjsh-31198)
 21. Madani Ghah Farokh S, Bayat M. [Poverty and Child Abuse in Iran]. *Soc Welfare Q.* 2010;9(35):271-300.
 22. Ghasemi F, Valizadeh F, Tolabi F, Saki M. [Investigate of some Behavioral Problems Caused by Physical Abuse by Parents in Primary School Children]. *Yafte.* 2010;9(4):59-65.
 23. Trang NHM, Duc NHC. Violent disciplinary practices towards children among caregivers in Vietnam: a cross-sectional survey. *Eur J Soc Sci.* 2014;43(4):305-13.
 24. Khakrangin M, Fathi M. [Family Factors Related to Child Abuse]. *Soc Welfare Q.* 2010;9(33):123-45.
 25. Brassard MR, Fiorvanti CM. School-Based Child Abuse Prevention Programs. *Psycho Sch.* 2015;52(1):40-60. doi: [10.1002/pits.21811](https://doi.org/10.1002/pits.21811)
 26. Habibi S, Fallah M, Amoopour M. [Effects of Child Abuse on Children's Personality Traits]. *UCT J.* 2017;3(2):106-20.
 27. Miri S, Ameri F, Alizadeh M. [Prevalence of child abuse in high school students of Bam city (Kerman/Iran) in 2003]. *J Kerman Uni Med Sci.* 2014;13(1):43-50.
 28. Ahmadi V. [Increasing the Vulnerability of Children and its effects on Community Health]. *RISS.* 2016;53:23-8.
 29. Turku J. [The Relation Ship between the Emotional Child Abuse, Discipline Penalty and School Attention for High School Student]: Istanbul University; 2013.